



The similarities of the Qur'an from the perspective of Akhbarians

Esfahani, Seyed abdollah^۱

Received: 15/05/2021

Accepted: 08/09/2021

Abstract

Therefore, it is necessary to examine the impact of their views on interpretation and Quranic sciences. The major question of this research, which has been written in descriptive, analytical, narrativeical and basic methods, is How the Akhbarians act and think in the "muhkam" and the "mutashabeh" of the Qur'an and the interpretation of "mutashabeh". The achievement of the this article It is: Belief in the coexistence of verbal similarity and semantic similarity in area of "nature and scope of rules and similarity"; That a "mutashabeh" verse is a text in which the opposite meaning is probable and a "muhkam" verse is a text that is not this; To know "muhkam" and "mutashabeh" in this way: consists of one semantic aspect or different semantic aspects; To consider texts that have a clear meaning in the category of "muhkam" And that we should consider general appearances, Complexes, and Verbal subscriber as "mutashabeh"; That "muhkam" has the ability to refer and follow the commentators, but in "mutashabeh" with not having this possibility, its nessesary stop and this knowledge should be left only to the infallibles (Peace be upon them); And that is nessesary Do not attribute "tashabuh motlagh" to the infallibles (Peace be upon them) but consider it to be exclusive to non-infallible commentators ; And that moderate Akhbaris say that regardless of the theoretical rulings of the Qur'an, "mutashabeh" also return to the The phrase seeks to express the achievements of the article in the form of an incomplete news compound.

Keywords: Influence, Akhbarian opinions, interpretation of similarities, rationalist commentators

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ Assistant Professor of the Holy Quran University of Sciences and Education

متشابهات قرآن از منظر اخباریان

اصفهانی، سید عبدالله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

چکیده

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

اندیشه اخباری به عنوان گرایشی از دانش های شیعی در حوزه های حدیث، اخلاق، تفسیر و ... شمرده می شود. از این رو کنکاش از تاثیر آراء آنان بر حوزه تفسیر و علوم قرآنی ضرورت دارد. پرسش اساسی تحقیق حاضر که به روش توصیفی، تحلیلی، نقلی و بنیادین نگارش یافته، چگونگی کنش های آراء اخباریان بر محکمت و متشابهات قرآن و تاویل متشابهات است. دستاورد مقاله حاضر عبارت است از: اعتقاد به توأمانی تشابه لفظی و معنایی در حوزه «ماهیت و گستره احکام و تشابه»؛ اینکه تشابه آیه است که معنای خلاف در آن محتمل باشد و محکم نص ایست که چنین نباشد؛ ملاک احکام و تشابه را احتمال بر یک وجه معنایی یا وجوه متنوع معنایی پنداشتن؛ نصوص صریح الدلاله را در زمره «محکمت» و عموم ظواهر، مجملات، مولات و مشترک لفظی را «متشابه» تلقی نمودن؛ اینکه «محکم»، قابلیت رجوع و تبعیت مفسران را دارد ولی در «متشابه» با عدم برخوردارگی از این ظرفیت، باید توقف و دانش آن را صرفاً به معصومان(ع) واگذار نمود؛ انکار «تشابه مطلق» نسبت به معصومان(ع) و اقرار به آن نسبت به مفسران غیر معصوم؛ پذیرش ارجاع متشابهات به محکمت در غیر احکام نظری قرآن از سوی طیف عبارت در صدد بیان دستاوردهای مقاله در قالب مرکب ناقص خبری است، دستاورد مقاله عبارت است از پذیرش ارجاع متشابهات به محکمت در غیر احکام نظریه قرآن از سوی طیف اخباریان معتدل.

کلید واژه: اخباریان، متشابهات، مفسران عقل گرا، دیدگاه ها.

^۱ - استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم esfahaniquran@gmail.com



مقدمه و بیان مسئله

برخی از اندیشه اخباری‌گری نوعی گرایش بنیادگرایانه، فعال، باسابقه و تاثیرگذار در حوزه فقه، اصول فقه و از جمله علم تفسیر قرآن است. به طوری که به وضوح می‌توان این رویکرد را در تفسیر، اخلاق و... مشاهده نمود و نگارش آثار فلسفی یا تفسیری با محوریت حدیث، مانند الاسفار الاربعه و تفسیر صافی نشانه همین پدیده است (بهشتی، ۱۳۹۰، صص ۷۱-۷۲). با صرف نظر از فراز و نشیب‌ها و شدت و ضعف‌های باورهای اخباری‌گری، می‌توان اخباریان را فرقه‌ای از علمای امامیه در دوران متأخر دانست که با استناد به روش و عمل سلف صالح (محدثان و حدیث‌گرایان)، اخبار اهل بیت (ع) را مهم‌ترین ماخذ در عقاید -حتی در اصول دین- اخلاقیات و احکام شرعی می‌دانند و به روش‌های اجتهادی و رجالی متأخران، به ویژه آنچه مبنایی جز عقل نداشته باشد به دیده انتقاد می‌نگرند (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

هرچند اندیشه نخستین اخباری‌گری ظاهراً حدود پنج قرن قبل از مرحوم امین استرآبادی به شکل نهفته و پنهان وجود داشته، ولی عمدتاً در قالب محدثان شیعه و در تضاد با اصولیانی هم‌چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی نبوده است، بلکه کارکردی به عنوان مکمل اصولیان شیعه ارایه نموده است. به طوری که برخی با خوش‌بینی اخباری و اصولی فرقه واحد دانسته‌اند (العمران، ۱۳۷۵، ص ۳۲)، چنانچه شیخ یوسف بحرانی (م. ۱۱۱۸ق) بر این باور است که بیشتر اختلاف باورهای اخباریان و اصولیان وقتی تحقیق می‌شود، فرقی به حساب نمی‌آید و نزاعی لفظی است (بحرانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۲۸۸)؛ ولی آنچه واقعیت دارد و مورد پذیرش غالب پژوهشگران و عالمان شیعه است، آن است که مشرب اخباری‌گری در قرن‌های ده و یازده هجری و طی دوره صفویه در ایران و به ویژه به وسیله استرآبادی و شاگردان وی، شاهد تحول تفکر اخباری و ورود آن به مرحله‌ای جدید و با اندیشه‌ای خاص بوده است (فائزه و شریفی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۲/ لوسن، ۱۳۸۹، ص ۳). به طوری که مرحوم استرآبادی به عنوان احیاگر طریق اخباریان پیشین (محدثان شیعه) شمرده می‌شود (فائز، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

استرآبادی و اخباریان پس از وی با جبهه‌گیری در برابر اصولیان انکار حجیت ظواهر کتاب و سنت پیامبر (ص)، اعتماد به عدم حجیت عقل و عدم جواز اجتهاد و تقلید و... برهه جدیدی از اخباری‌گری را

در حوزه اندیشه شیعی و در قالبی نو، جریان‌سازی نموده‌اند، بنابراین، تلاش برخی محققان که خواسته‌اند اساساً اخباری‌گری را ۱- «روش تحقیق» مانند «روش اصولی» بدانند و نتیجه بگیرند که این دو گروه به لحاظ ماهیت و محتوای اندیشه اختلافی جز در «روش‌شناسی» با یکدیگر ندارند (ولایی، ۱۳۸۵، ص ۵۱)، پذیرفته نیست؛ چنان‌چه بسیاری از پژوهش‌های تاریخی و باورسنجی در اندیشه‌های آنان بیان‌گر آن است که اخباری‌گری «مکتبی مستقل» و مجزا از «مکتب اجتهاد» شمرده می‌شود (مطهری، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۴۳-۵۰). اختلاف دو مکتب اخباری و اصولی که عمدتاً در مسائل تخصصی اصول و فقه متمرکز است ریشه در درگیری‌های پر دامنه‌تر سابق میان حامیان الهیات نظری و حدیث‌گرایان مخالف استدلال در دین داشته است (لوسن، ۱۳۸۹، ص ۴ به نقل از ویلفرد مادلونگ)

مفسران اصولی شیعه ظواهر قرآن را حجت می‌دانند و آن را به بنای عقلا مستند نموده و بستر استناد به همه قراین نقلی از قبیل آیات قرآن و قراین عقلی و عقلایی مانند اصول عقلایی محاوره‌ای، سیاق و... را فراهم می‌کنند؛ لیکن اخباریان در حجیت ظواهر مناقشه نموده و غالباً، تفسیر قرآن را فقط در صورتی مجاز می‌دانند که به وسیله اهل بیت (ع) به ما رسیده باشد (رازی نجفی، ۱۴۳۰، ص ۶۸۸ / حسینان، ۱۳۸۰، صص ۲۰۴-۲۰۵ / صدر، ۱۳۷۵، صص ۸۰-۸۱)

عالمانی هم‌چون ملا محمد تقلی مجلسی، شیخ حر آملی، ملامحسن فیض کاشانی، علامه محمدباقر مجلسی، سید هاشم بحرانی، عبدالعلی حویزی بحرانی، سید نعمت الله جزایری، شیخ یوسف بحرانی و صدها عالم دیگر به جریان فکری اخباری‌گری تعلق دارند.

اگرچه اخباری‌گری پس از قرن ۱۳ هجری و با تلاش وحید بهبهانی و شاگردانش سیر نزولی خویش را آغاز و رو به افول نهاد ولی چراغ آن هرگز خاموش نشد. به طوری که این مکتب در حوزه‌های دینی شیعه و به شکل‌های مختلف، رسوباتی از خود به جای نهاد و هنوز روحیه اخباری‌گری کم و بیش زنده است و حتی رگه‌های آن در برخی مجتهدان و اصولیان به چشم می‌خورد (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۷۲).

شناخت احکام و تشابه و چگونگی ارتباط بین محکم و متشابه و مکانیسم فهم متشابهات، با موضوعاتی همچون اصول عقلایی محاوره‌ای، حجیت ظواهر قرآن، علوم مقدماتی تفسیر (=علوم قرآنی)، فهم و تاویل



قرآن، تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران، روش تفسیر قرآن به قرآن و... مرتبط است. از این رو، هم در زمره علوم القرآن و هم علوم فی القرآن مطرح است. (شاکر، ۱۳۹۳، ص ۲۲۹-۲۳۰). از سوی دیگر، ارتباط موضوع محکم و متشابه، علاوه بر علوم قرآنی و تاویل قرآن، با سایر علوم اسلامی مانند اصول فقه، فقه، علوم حدیث، کلام قدیم و جدید، عرفان اسلامی و ... بر عالمان مسلمان و به ویژه قرآن پژوهان پوشیده نیست. (اسعدی، ۱۳۹۰، ص ۸-۹). انحرافات و بدعت‌های برخی از فرق اسلامی که از مسیر اصلی دین فاصله گرفته‌اند، به نوعی مرتبط با مبحث ماهیت احکام و تشابه در آیات و شیوه برداشت از مشابهات است. (همان ص ۹-۱۰) علامه طباطبایی در این زمینه می‌نویسد پیروی از آیات متشابه، منشاء بدعتها و انحراف‌های بعد از رسول خدا(ص) و مبدا فتنه‌ها و محتتها بوده است. بک فرقه بخاطر تمسک به آیات متشابه براین باور بودند که خدای تعالی جسم دارد، دسته دیگر به جبر و گروهی به تفویض گراییدند. جمعی نیز معتقد بودند که انبیا معصوم نیستند. طایفه ای نیز به منظور منزه دانستن خداوند، او را فاقد صفت دانستند و دسته‌ای دیگر معتقد بودند، صفات خداوند در قرآن، همانند صفات انسان است. همچنین درباره احکام دین، طایفه‌ای بر این باور بودند که هدف از تشریح احکام، ایجاد راهی برای وصال بندگان به خداوند است، پس اگر برای رسیدن به خدا راهی نزدیک تر پیدا شود، هر راهی که باشد، باید آن را پیمود. دسته دیگر معتقدند تکلیف به واجبات و ترک محرمات برای رسیدن به کمال است و معنا ندارد با رسیدن انسان به حق و کمال، این تکالیف باز هم بر ذمه او باقی بماند. همه اینها بدان دلیل بود که هیچکدام از این گروهها آیات متشابه را به آیات محکم بر نمی‌گرداندند تا محکومات بر آیات متشابه حاکم باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۴۱-۴۲).

اینک یادکرد این مطلب ضروری می‌نماید که کتب و مقالاتی که در حوزه اخباری‌گری نگارش یافته، غالباً از چالش‌های ذیل متألم است:

۱- ناسازگاری و تضاد محتوایی؛ به طوری که دیدگاه‌های متضادی در خصوص استنباط از اندیشه‌های اخباریان مشاهده می‌شود که ظاهراً نتوانسته‌اند به نظر واحد و نگرش جامعی در زمینه دیدگاه اخباریان دست یابند. این نقص به نوبه خود، برخاسته از آسیب دیگری است و آن این‌که با گذشت بیش از چهارصد سال از تأسیس مکتب اخباری و رسوخ آشکار و پنهان آرای ایشان در حوزه‌های حدیث، اخلاق، تاریخ، تفسیر

و...؛ تألیفات شایسته‌ای در خصوص نقد اندیشه‌های ایشان و ترکیب باورهای صحیح آنان با افکار اصولیان چه در شکل نقد موضوعی، باورهای اخباری و چه در قالب نقد آثار خاص ایشان نگارش نشده است. هر چند در حوزه فقه و پژوهش‌های فقهی با ظهور تألیفاتی هم‌چون ریاض المسائل، جواهر الکلام، کشف الغطاء، مفتاح الکرامه، جامع احادیث شیعه این نقیصه مرتفع شده است (فائز، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴).

۲- عدم تفکیک بین دیدگاه‌های مشهور بزرگ‌ترین عالمان اخباری با دیدگاه‌های حداقلی و رویکردهای افراطی و تفریطی اخباریان. اخباری‌گری یک جریان منسجم و یکپارچه نیست. از این‌رو، باید دیدگاه مشهور بزرگ‌ترین عالمان اخباری که غالب ایشان به آن معتقدند میزان پژوهش قرار گیرد.

۳- غالب کتب و مقالات نگارش‌یافته در خصوص آرای اخباریان به «حوزه فقه» اختصاص یافته است.

۴- عدم تفکیک علمی و روشمند بین آرای اخباریان در «حوزه فقه» با «حوزه تفسیر». دغدغه اصلی اخباریان و اصولیان تفسیر متون مقدس نبوده، بلکه رشته پر دامنه‌تر حقوق و حیطة کاری آن (فقه) می‌باشد (لوسن، ۱۳۸۹، ص ۲). به طوری که غالباً با نگرشی عام و کلی به بازخورد اندیشه‌های آنان در حوزه تفسیر نگرسته شده است و چه بسا نگرش‌های فقهی و تفسیری آنان با یکدیگر خلط شده و منشأ لغزش‌های علمی گردیده است. به طوری که تشریح آرای اخباریان در حوزه علوم نقلی-تحلیلی مانند تفسیر، محتاج بازتحلیلی است (آرمیون، ۱۳۹۱، ص ۶).

۵- کتاب «دیدگاه قرآنی و تفسیری اخباریان، نقد آرا» و مقالات محدودی هم‌چون: «پیامدهای اندیشه‌های اخباریان بر حوزه پژوهش‌های قرآن»، «رأی اخباریان و اصولیان در تفسیر قرآن»؛ «نظریه استقلال قرآن، مصاف علامه طباطبایی با اخباریان»؛ رویکرد اخباریان شیعه به تفسیر و... که به قلمرو بازخورد آرای اخباریان در حوزه قرآن اختصاص یافته، غالباً به طور اجمالی و مبهم و با عناوین عامی هم‌چون «پژوهش‌های قرآن» یا «تفسیر قرآن» تألیف شده و عمدتاً مربوط به «مبانی و منابع تفسیر» از منظر اخباریان است و تا کنون پژوهش عمیق و روشمندی در خصوص کنش‌های آرای قرآنی اخباریان بر حوزه «علوم قرآنی» و بویژه مبحث «محکم و متشابه قرآن و تاویل متشابهات» نگارش نیافته است. به طوری که همین امر، به جهت نوآورانه بودن، مسأله پژوهش حاضر را به خود اختصاص داده است..



۱- اخباریان و ماهیت تشابه

ماهیت و گستره مفهومی تشابه از مسائل بنیادین در حوزه محکم و متشابه است به طوری که با تأثیر پذیری از گرایش‌های علمی عالمان مسلمان در حوزه فلسفه، کلام، فقه، اصول فقه، تفسیر، ادبیات و... موجب ارائه تعاریف مختلفی از محکم و متشابه شده است. مشرب اخباریگری نیز از این حوزه مستثنی نیست.

توضیح آنکه: متشابهات به سه قسم تقسیم پذیرند:

الف) «تشابه لفظی» که فقط در آن شناخت معنای لفظ دچار تردید می‌گردد و به نوبه خود به دو گونه است: «تشابه در مفردات آیه» که برخاسته از غرابت لفظ، ابهام و اجمال لفظ، مشترک لفظی، لفظ موول و... است و «تشابه در مرکبات و جمله» که برخاسته از ایجاز و اختصار آیه، بسط و اطناب آیه، نظم کلام، ارجاع عام به خاص، مطلق به مقید و... است و هر دو راه حل‌های لغوی، ادبی و زبان‌شناسانه دارد و با روش اهل زبان قابل حل است.

ب) «تشابه معنایی» که در آن لفظ آیه، ظهور و وضوح دارد، ولی مراد و افعی خداوند دچار شبهه و اشتباه می‌شود که با تدبیر و ژرف‌اندیشی در آن آیات و مراجعه به محکّمات و روایات تفسیری، رفع تشابه می‌شود.

ج) «تشابه از دو جهت لفظ و معنا» یا تشابه عام و آن عبارت از هرگونه ابهام، شبهه، خطا یا مشکلی در لفظ و معنای آیه است که مفسر را به اشتباه می‌اندازد و معانی مختلف، محتمل و مشکل‌سازی برای مفردات یا جملات آیه به وجود آید. (اسعدی، ۱۳۹۰، ص ۴۵-۴۶)

در مقابل «محکم» ناظر به آیاتی است که چه از نظر لفظی و چه از حیث معنایی، هیچ شبهه‌ای در آن راه ندارد.

اکثر اصولیان و فقیهان که با توسعه معنایی «تشابه»، به «تشابه توامان لفظی و معنایی» قایلند، با عنایت به معنای لغوی عام احکام و تشابه احکام، نوعی منع کردن و بازداشتن از فساد و تباهی و تشابه به معنای نوعی شباهت دو چیز به یکدیگر که منجر به اشتباه و التباس شود. (همان، ص ۲۶) و با نگاه اصولی، ادبی و دلالت‌شناسانه و با صرف نظر از رویکرد درون‌دینی برخاسته از قرآن و روایت، به تجزیه و تحلیل

گستره معنایی محکم و متشابه و تعریف آن دو پرداخته اند. راغب اصفهانی نمونه بارز از عالمانی است که مفهوم عامی از محکم و متشابه را مد نظر دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۲۷-۲۶۱). فخررازی که از اصولیان است و تحلیل مفهوم محکم و متشابه را از رهگذر تقسیم اصولی الفاظ پی می‌گیرد، نسبت لفظ با معنای موضوع له را مشتمل بر پنج قسم و عبارت: از نص، ظاهر، موول، مجمل، مشترک بر می‌شمارد و نص و ظاهر را «محکم» و موول (معنای مرجوح) و مجمل (عدم ترجیح هر یک از معانی محتمل بر معنای دیگر) و مشترک را «متشابه» معرفی می‌کند (فخررازی، ۱۹۷۹ م، ج ۲، ص ۶۱۸-۶۶۸). همچنین ابن قتیبه، که از ادیبانی است که بروز هر نوع شبهه یا مشکلی در لفظ یا معنای آیه را موجب مشابه آیات بر می‌شمارد (ابن قتیبه، بی تا، ص ۱۰۲)

اخباریان معتدل به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروهی که مطلقاً به حجیت ظواهر قرآن باور دارند مانند ملا محسن فیض کاشانی و محمدباقر مجلسی؛ و گروه دیگری که به حجیت ظواهر قرآن صرفاً در حوزه احکام نظری قرآن اعم از اصول دین و فروع آن، قائلند (مجلسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۵۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۹۲-۱۷۶؛ کرکی، ۱۳۹۶ ق، ص ۱۵۵) و محکّمات را اختصاص به نصوص صریح الدلاله می‌دانند (استرآبادی، ۱۳۶۶، ص ۸۹؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۷۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۶)، از آن باب است که عوامل گوناگون لفظی و معنایی در مفردات و جملات قرآنی را منشاء بروز تشابه می‌دانند، لذا آنان به مفاد عامی از تشابه یا «تشابه توامانی لفظ و معنا» باور دارند.

اخباریان تندرو که منکر حجیت ظواهر همه آیات قرآن اعم از نصوص، ظواهر و احکام نظری و غیر نظری اند و قائل به غیر قابل فهم بودن مطلق قرآن اند و بنابر نقل کاشف الغطاء، بسیاری از آنان، تمام آیات قرآن را مجمل و متشابه می‌دانند و حتی اجازه نمی‌دهند که بدون روایات، الفاظ قرآن را تفسیر کنیم، طبعاً بر گسترش ماهیت تشابه به دو حوزه لفظ و معنا، باور و تأکید دارند (کاشف القطاع، بی تا، ص ۱۸؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳)



۲- اخباریان و تعریف محکم و متشابه

علیرغم آنکه اصل اشتغال قرآن بر محکم و متشابه مورد اتفاق است و در معنای لغوی آن دو اختلاف نظر قابل توجهی ملاحظه نمی‌شود، لیکن به دلیل تفاوت دیدگاه‌هایی که در زمینه ماهیت فهم پذیری آیات متشابه یا انحصار علم به مشابهات، در خداوند و اولیای معصوم الهی؛ گسترش مفاد تشابه از قلمرو لفظ و شبهات لفظ شناسانه به حوزه معنا و شبهات معنانشناسانه؛ و تاثیر گرایشات علمی اندیشوران دینی در حوزه فلسفه، کلام، اصول فقه، فقه، تفسیر، ادبیات عرب و... در حوزه احکام و تشابه قرآن رصد می‌شود، تعاریف گوناگون و متنوعی از سوی عالمان اسلامی اعم از صحابه، تابعان، اصولیان، مفسران و... ارائه شده است. به طوری که علامه طباطبایی و جلال الدین سیوطی نزدیک به ۲۰ دیدگاه در این زمینه گزارش داده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق، ص ۲۷؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۴۱)

تاثیرگذاری تمایلات علمی و آراء حدیثی و فقهی اخباریان و اندیشه‌های آنان در حوزه ماهیت و گستره تشابه بر حوزه تعریف محکم و متشابه قرآن مشهود بوده و به شرح ذیل تقریر می‌شود:

الف) آنان می‌گویند: قرآن مشتمل بر محکم و متشابه است و عمل به متشابه نسا و اجماعاً ممنوع است زیرا برای ما معلوم نیست که مشابهات قرآن کدامند و تفکیک آنها از محکومات چگونه است. از این رو به هیچ یک از آیات قرآن نمی‌توانیم عمل کنیم زیرا محتمل می‌دانند همان آیه متشابه باشند. (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۶)

ب) آنان در این زمینه به روایت امام صادق (ع) استناد می‌کنند که فرموده‌اند: «ان القرآن فیه محکم و مشابه. فاما المحکم فنومن به و نعمل به و ندین به؛ و اما المتشابه فنومن به و لا نعمل به و هو قول الله تبارک و تعالی (فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه)» (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۱۹۸؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۵)

ج) اخباریان می‌گویند: آنچه به آن علم نداریم، از مصادیق «شبهه» شمرده می‌شود. هرچند به آن ظن داشته باشیم (استرآبادی، ۱۳۶۳، ص ۹۴؛ بحرانی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۱۷). از سویی، اجتناب از شبهات بر اساس روایاتی که به ادعای ایشان به حد تواتر رسیده است (حرعاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۰۶؛ استرآبادی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۶)

، واجب است، لذا باید توقف و احتیاط نمود. آنان در این زمینه به مقبوله عمر بن حنظله از امام صادق (ع) استناد می‌کنند حضرتش فرموده‌اند: «فإن الوقوف عند الشبهات، خير من الاقتحام في الهلكات» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۸)

د) آنان هرگونه ابهام و اجمال و معانی محتمل را مسبب شبهه، اشتباه و تشابه می‌دانند و بر این باورند که تشابه در جایی است که معنای ظاهری برخی از آیات با اصول مسلم قرآن سازگار نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۲۱-۲۲) در این گونه موارد است که اهل ضیغ و انحراف با سوء استفاده از ظاهر آیات مردم را گمراه می‌کنند (شاکر، ۱۳۹۳، ص ۲۵۴). مفسران اصولی هر محتمل را مشتبه تلقی نمی‌کنند و در مواردی که بیانی از طرف شارع نباشد و دلیلی به مکلف نرسیده باشد، احتمال تکلیف و عقاب و مجازات را به استناد قاعده «قبیح عقاب بلا بیان» و احادیثی مانند حدیث رفع از رسول خدا (ص) که فرمودند: «رفع عن امتی تسعه... و مالا یعلمون» (شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۱۷)، حدیث «حجب» از امام صادق (ع) که فرمودند «ما حجب الله علمه علی العباد فهو موضوع عنهم» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۶۴) و حدیث مطلق از آن حضرت که فرمودند «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۱۲۷) منتفی می‌دانند و آن را از مصادیق شبه خارج می‌دانند. (بهبهانی، ۱۴۱۵، ص ۲۴۵؛ نراقی، ۱۴۰۰، ص ۳۶۱؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱)

مستفاد از مقدمات فوق الذکر و سایر آراء اخباریان در قلمرو احکام و تشابه آیات قرآن، آن است که از منظر اخباریان «متشابه» آیه است که در معنایی که از آن فهمیده می‌شود، احتمال خلاف برود، مانند الفاظ مشترک، ظواهر، مجمل، موول، عام و مطلق که در آن معانی دیگر نیز محتمل است؛ و «محکم» نصی است که در معنای خود صراحت داشته باشد و احتمال معنایی خلاف در آن نرود. اخباریان به عنوان نمونه به آیه «و لایظلم ربک احدا» استناد می‌کنند که در معنای آن، هیچ احتمال دیگری جز نفی ظلم از خداوند نیست (کرکی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۵۱؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۷). از این رو شیخ حرعاملی با اطمینان همه آیات الاحکام را از متشابهات می‌داند و می‌نویسد: «ظواهر هر یک از آیات احکام نسبت به آیات نظری، متشابه هست؛ چرا که در هر یک از این آیات، با قطع نظر از احادیث، دو یا بیش از دو احتمال در معنای آن وجود دارد (حرعاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۹۲).



۳- اخباریان و ملاک احکام و تشابه

در گذشته بسیاری از عالمان اسلامی با التزام به رویکرد سنتی خویش به ضرورت مبین بودن و هدایتگری قرآن، غالب آیات را «محکم» می‌پنداشتند و به دلیل آنکه تشابه آیات را در تضاد با حکمت الهی در نزول قرآن می‌دیدند، همواره در جستجوی عواملی برای توجیه تشابه در قرآن بودند. اخباریان با فراز و نشیب طیف های تندرو و معتدل، همه یا بسیاری از آیات را در زمره متشابهات دانسته‌اند.

تنوع تعریف و تقسیمات محکم و متشابه، برخاسته از عدم بررسی دقیق در ماهیت محکم و متشابه در آیات و روایات است. با پژوهش در دیدگاه‌های عالمان اسلامی می‌توان معیارهای چهارگانه متنی، موضوعی، عقلی و معرفتی را شناسایی نمود. بر اساس «معیار موضوعی» گروه‌هایی از آیات همچون آیات ناسخ، حلال و حرام، حدود و فرایض، عموم آیات احکام عملی، «محکم»؛ و معارف نظری، مثل ها و قسم ها، «متشابه» شمرده می‌شود، و بنابر «معیار عقلی»، ظهور یک آیه بر اساس مسلمات عقلی مفسر ارزیابی شده و در صورت عدم تعارض با آن، «محکم» و با وجود تعارض، «متشابه» تلقی می‌شود. هرچند این معیار با توجه به اختلاف نظر مفسران در تفسیر عقلی مورد بحث و نزاع بوده است؛ و بر مبنای «معیار معرفتی» هر آیه ای که مفسران در تفسیر آن، اختلاف نظر دارند «متشابه» و در صورت عدم اختلاف در تفسیر آیه، «محکم» خواهد بود. (اسعدی، ۱۳۹۰، ص ۸۹) اما از «معیار متنی» که برخاسته است مطالعه متن آیات و قراین و شواهد موجود در آیه است، دوگونه تفسیر ارایه شده است: اول آنکه، متشابه آیه ای است که معنای ظاهری آن در نظر بدوی، در تعارض با آیات دیگر است و در معرض شبهه، تناقض و ناهمگونی قرار می‌گیرد، ولی «محکم» که معنای ظاهری و بدوی آن، در تعارض با سایر آیات نبوده و شبهه تناقض و ناهماهنگی ایجاد نمی‌کند. دوم آنکه، «محکم» آیه است که حامل یک وجه معنایی است و «متشابه» آیه ای مشتمل بر وجوه متنوع معنایی است. (همان، ص ۴۳-۴۵)

باور اخباریان مبنی بر اینکه نصوص و آیات صریح الدلاله را در زمره «محکومات»، و آیات مشتمل بر ظاهر، مجمل، موول، مشترک و عام و مطلق را که به نحوی از انحا مشتمل بر معانی محتمل باشد، در زمره

«متشابهات» دانسته اند. هرچند موجب شبهه، ناهمگونی و اشتباه نباشد؛ نشانگر آن است که آنان «معیار متنی» با تفسیر دوم را به عنوان ملاک تشخیص احکام و تشابه آیات می‌پندارند.

این تصور اخباریان قابل قبول و موجه نیست، زیرا همه آیات قرآن به دلیل ساختار ادبی، صرفی، نحوی، بیانی، بلاغی و اشمال بر آرایه‌های ادبی همچون مجاز و استعاره و ... و بویژه به دلیل مباحث پیچیده زبانشناسی جدید و دانش‌های فهم متن مانند هرمنوتیک و ... دربردارنده احتمالات و وجوه متنوع معنایی خواهد بود، که در این صورت هیچ آیه‌ای از قرآن «محکم» نخواهد بود. در حالی که آیه هفت سوره آل‌عمران به صراحت بر اشمال قرآن بر برخی از آیات محکم، در کنار آیات متشابه و مرجعیت محکومات برای متشابهات تاکید دارند. (شاکر، ۱۳۹۳، ص ۲۴۴؛ اسعدی، ۱۳۹۰، ص ۶۲-۶۴)

۴- اخباریان و قلمرو محکومات و متشابهات قرآن

قلمرو محکومات و متشابهات قرآن از منظر مفسران و قرآن پژوهان بر اساس گزینش «ماهیت تشابه و گستره آن» و «ملاک تشخیص احکام و تشابه» متفاوت و شاهد قبض و بسط بوده است. چنانچه باورهای اخباریان در خصوص «توسعه ماهیت تشابه به هر گونه تشابه توأمان لفظی و معنایی» و «گزینش ملاک وجه معنایی واحد جهت تشخیص محکم و متشابه»، موجب تقلیل دامنه محکومات، از منظر ایشان شده است. از این روست که اخباریان معتدل، صرفاً نصوص صریح الدلاله را در حوزه «محکومات» و در مقابل عموم ظواهر، مجملات، موولات و اشتراک را که به نحوی در بردارنده‌ی وجوه متنوع معنایی‌اند، در قلمرو «متشابهات» دانسته‌اند (استرآبادی، ۱۳۶۳، ص ۸۹؛ حرعاملی، ۱۴۱۲، ق، ص ۱۸۹)

آنان دلیل این ادعای خویش را «عدم حجیت ظواهر قرآن» در حوزه احکام نظری اعم از اصول دین و فروع آن می‌دانند، در حالی که اولاً این دلیل اخص از مدعای ایشان است، زیرا همه ظواهر قرآن، اختصاص به ظواهر قابل تخصیص، تقیید و تفصیلی که موضوع احکام نظری است، ندارد؛ ثانیاً اینکه ظواهر قرآن را به حوزه متشابهات اختصاص دهیم، ادعایی بی دلیل است، زیرا اطلاق «متشابه» بر ظواهر قرآن نه صدق عرفی دارد و نه صدق لغوی، بلکه در مقابل، «صحت سلب» دارد و صحیح است گفته شود: ظواهر از متشابهات نیست. (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۵۴؛ مشکینی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۰۸) ثالثاً الحاق ظواهر قرآن به متشابهات



، با به کارگیری زبان عرفی محاوره‌ای، در القاء مقاصد الهی در قرآن؛ توصیه و تاکید به تدبر و ژرف اندیشی در قرآن، رسالت هدایتگری قرآن، مرجعیت قرآن نسبت به روایات و ... ناسازگار است. اخباریان همچنین هرگونه ابهام، اجمال، اشتراک و احتمالات معنایی را مسبب «تشابه» آیه می‌پندارند در حالی که مبهمات، مجملات و هرگونه احتمالات معنایی در صورتی که در تضاد با اصول مسلم قرآن باشد، زمینه‌ساز «تشابه» آیه محسوب می‌شود.

۵- اخباریان و «ام‌الکتاب» بودن محکّمات

علی‌رغم وضوح نسبی ام‌الکتاب بودن «محکّمات» که در آیه هفت سوره آل عمران از آن تعبیر شده است، گستره معنایی «ام‌الکتاب» مورد نزاع رویکردهای مختلف تفسیری معتزله، اشاعره، شیعه و ... است. به جز معدودی از گروه‌ها و فرق اسلامی که به دام اعتقاد تجسیم و تعطیل گرفتار آمده‌اند، سایر دانشمندان و مفسران فریقین در این مطلب اتفاق نظر دارند که نمی‌توان بدون در نظر گرفتن آیات محکم، به متشابهات قرآن تمسک جست (شاکر، ۱۳۹۳، ص ۲۶۳)

محور نزاع این است که: توصیف آیات محکم به «ام‌الکتاب» را بیانگر نقش این آیات در حل تشابه متشابهات قرآن، آن هم صرفاً دفع ظهور ابتدایی، متزلزل و شبهه آور آیات متشابه بدانیم، به طوری که موجب می‌شود مفسران، تاویل ناروا از آیه ارائه نکنند (= مرجعیت نسبی و سلبی محکّمات نسبت به متشابهات) (ملکی میانجی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۳-۸۴)؛ یا افزون بر آن، تحصیل معنا و مراد واقعی آیات متشابه نیز در این ارجاع قابل دستیابی است (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۳، ص ۴۳-۴۴). و یا آن که وصف «ام‌الکتاب» را ناظر به جایگاه اصیل و قابل اتکای محکّمات در بیان معارف و احکام اصلی و شبه ناپذیر قرآن نسبت به همه آیات قرآن و یا همه احکام و معارف مورد اتفاق کتاب آسمانی بدانیم (= جامعیت محکّمات نسبت به متشابهات) (شاطبی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۸۰).

دیدگاه مرجعیت مطلق محکّمات نسبت به متشابهات، یکی از رویکردها در تبیین جایگاه ام‌الکتاب بودن محکّمات و بدین معناست که: ام‌الکتاب بودن محکّمات یعنی آیات محکم شامل معارف و احکامی است که قابلیت رجوع و تبیین مفسران را دارند. در مقابل، «متشابهات» از قابلیت ارجاع مفسران برخوردار نیستند،

به طوری که باید در فهم آنها «متوقف» و دانش آن را به عالمش واگذار نمود. این گرایش مربوط به کسانی است که متشابهات را از آیات فهم ناپذیر و غیرقابل درک می دانند و یکی از شروط اسلام را پذیرش ارجاع متشابهات به اهلش معرفی می کنند. این رویکرد مورد توجه حدیث گرایان و اخباریان شیعه است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۶۰؛ هویزی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۱۵) آنان در منابع اهل سنت به روایاتی از معاذ بن جبل که می گوید «و متشابه یشکل علیک فکله الی عالمه» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۲۱؛ طبری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۳)؛ همچنین در منابع شیعه به روایتی از امام هفتم (ع) به نقل از پیامبر (ص) که می فرماید: «... و تعملوا بالاحکام و تردوا المتشابه الی اهلہ ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۶۰؛ هویزی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۱۳) استناد می کنند.

۶- اخباریان و اطلاق و نسبت (ذاتی و عرضی بودن) محکم و متشابه

تاریخ تفسیر قرآن شاهد تقسیم های مختلف محکم و متشابه از زوایای مختلف و با رویکردهای گوناگون از سوی قرآن پژوهان شیعه و اهل سنت است. اساسی ترین تقسیم ها در این زمینه به شرح ذیل تقریر می شود:

الف) تقسیم محکم و متشابه به لفظی و معنایی که در گذشته بیان شد.

ب) تقسیم آیات به محکم و متشابه مطلق و نسبی

ج) تقسیم آیات به محکم و متشابه ذاتی و عرضی

«تشابه ذاتی یا اصلی» ناظر به آیاتی است که به دلیل اشتغال بر معارف بلند ذاتا و اصالتاً از همان آغاز نزول، برای همه متشابه بوده اند و در مقابل، متشابه نسبی و عرضی آیاتی هستند که به تدریج و در پی مجادلات کلامی و سیاسی و ... و قصور فهم مفسران بعدی متصف به صفت تشابه شده اند. اما در هر صورت، تشابه در هر دو نوع آن، برای غیر راسخان در علم است. به عنوان نمونه آیه «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی یا آیه «و علموا ان الله یحول بین المرء و قلبه» ذاتا و در درون خود شبهه انگیز است؛ از آن رو که توحید افعالی و نسبت افعال انسان به خدا، با وجود نقش خود انسان در آنها، مسئله ای پیچیده و دیرپاب است که در آیه نخست به آن اشاره شده است. همچنین حائل شدن خداوند میان انسان و قلب و جان او و اختیار



تام الهی در گرایش‌های درونی انسان از مباحث دشوار است که به سهولت نمی‌توان آن را از الفاظ آیه دوم دریافت نمود. اما آیاتی مانند «وجوه یومئذ ناضره» که در عصر نزول با نگرش بسیط و صاف و دور از آرایش نزاع‌های کلامی به درستی قابل فهم بوده و توده مردم با توجه به کاربرد شایع واژه «نظر» در معنای غیر مادی «انتظار و چشم داشت» در تنگنای فهم آن قرار نمی‌گرفتند؛ تشابه ذاتی و اصلی نداشته و تشابه موجود در آن بر اثر نزاع-ها و نگرش‌های عارضی متاخر بروز کرده است. (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۴-۱۸؛ معرفت، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹-۲۴۳)

البته برخی دانشمندان مانند ابن رشد برآنند که اساساً تشابه در قرآن از قسم تشابه عرضی است و عموم آیات از احکام ذاتی برخوردارند. (ابن رشد، ۱۹۹۸م، ص ۸۹، ۹۶ و ۱۰۷). مراد از «متشابه مطلق» آن است که تشابه بر سراسر آیه سایه افکند و در مقابل، «متشابه نسبی» آن است که آیه‌ای از یک جهت محکم و از جهت دیگر متشابه و یا بخشی از آیه محکم و بخش دیگر متشابه و یا نسبت به مدلول لفظی محکم و نسبت به تفاسیل آیه متشابه باشد. و در مقابل آیه‌ای که از هر جهت و برای همه افراد قابل فهم است و شبهه ایجاد نمی‌کند، «محکم مطلق» و «محکم نسبی» بُعد دیگر «متشابه نسبی» است که آیه از نظر برخی از ابعاد معنایی یا برخی بخش‌های آن برای راسخان در علم قابل درک است. (اسعدی، ۱۳۹۰، ص ۵۴-۶۰)

نسبی یا مطلق بودن احکام و تشابه نیز ممکن است به دو اعتبار لحاظ شود :

الف) به اعتبار مفاهیم و موضوعات آیه، یعنی یک آیه می‌تواند مشتمل بر مفاهیم و مدلولات گوناگون و متفاوتی باشد که برخی از آنها صفات احکام و برخی دیگر صفت تشابه و شبهه انگیزی نسبت به اصول مسلم قرآن دارند. به این ترتیب ممکن است آیه‌ای نسبت به جهتی و به اعتبار مفهومی خاص «محکم» باشد و نسبت به جهتی دیگر و در مقایسه با موضوعی دیگر، «متشابه» باشد. لذا از آن جهت که محکم است می‌تواند به رفع تشابه آیه‌ای دیگر پردازد و از آن جهت که متشابه است، برای رفع تشابه و تعیین معنای مرادش به آیه محکم دیگری نیازمند است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۶۴). بر این اساس آیات به سه قسم: محکم مطلق، محکم نسبی (یا اضافی) و متشابه نسبی (یا اضافی) بخش پذیرند. (همان)

ب) به اعتبار افراد و مخاطبان آیه یعنی این پرسش مطرح است که آیا ممکن است آیه ای برای فردی متشابه برای فرد دیگری محکم باشد؟ همچنین آیا ممکن است همه آیات برای کسی متشابه باشد؟

دیدگاه مفسران اصولی و عقل گرا آن است که: مستفاد از ظاهر آیه هفتم سوره آل عمران آن است که احکام و تشابه، صفت آیات است و افراد و مخاطبان آیه در پدید آوردن آن، دخالتی ندارد. به عبارت دیگر، آیات، ذاتاً در دو دسته محکمت و متشابهات قرار می گیرند و در قرآن آیاتی ثابت (حکم ذاتی) به عنوان «ام الکتاب» وجود دارد که روشنگر راه کسانی است که به دوراهی تردید در متشابهات رسیدند، و دسته دیگر متشابه‌اند که یا ارجاع به محکمت، به آیات محکم (محکم بالعرض) تبدیل می‌شوند. اما تا زمانی که فردی نتوانسته معنای درست آنها را دریابد، جزء متشابهات باقی می‌ماند. بنابراین اگر تعبیر «نسبی بودن» درست باشد، در طرف متشابهات مطرح است. به عبارت دیگر آیات قرآن به طور ذاتی یا محکمند یا متشابه، و احکام و تشابه وابسته به افراد و مخاطبان قرآن نیست، لیکن این امکان وجود دارد تا آیات متشابه در پرتو محکمت (محکم ذاتی) به آیاتی محکم تبدیل شوند، که در این صورت آیه‌ای که به طور ذاتی متشابه بوده است، به طور عرضی محکم خواهد شد. از این رو علامه طباطبایی در این زمینه می‌نویسد: معنای مراد از آیات متشابه پس از ارجاع به آیات محکم معین شده و به آیات محکم تبدیل می‌شوند. بنابراین، آیات محکم به خودی خود محکم‌اند و آیات متشابه، به واسطه آیات محکم، محکم می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۱). از اینرو اینکه در برخی اخبار اهل بیت آمده است: «المتشابه ما اشتهه علی جاهله» (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۲۱): متشابه آن است که بر جاهل اش متشابه است، بدین معنا نیست که جاهل، صفت تشابه را برای برخی آیات به وجود می‌آورد، بلکه تشابه از خصوصیات معانی برخی آیات است، لیکن این خصوصیت مفهومی تا زمانی که فردی، علم به محکمی که رفع تشابه از آن کند پیدا نکند، همچنان برای افراد باقی می‌ماند. (شاکر، ۱۳۹۳، ص ۲۶۰-۲۶۳)

باورهای اخباریان در حوزه احکام و تشابه مطلق و نسبی، و ذاتی و عرضی به شرح ذیل است:

الف) آنان «تشابه مطلق» آیات، به معنای فهم ناپذیری مطلق متشابهات نسبت به مخاطبان معصوم و غیر معصوم -به طوری که تنها موظف به ایمان و اذعان کلی نسبت به مفاد آن باشیم- آنگونه که به اهل سنت منتسب است (شاطبی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۸۴-۸۷؛ اسعدی، ۱۳۹۰، ص ۵۱) را باور ندارند.



ب) اخباریان «تشابه مطلق» آیات به معنای فهم ناپذیری نسبت به مخاطبان غیر معصوم باور دارند، لذا مکانیسم رفع تشابه و تفسیر متشابهات را صرفاً از طریق روایات اهل بیت می‌دانند. اشکالی که بر این دیدگاه اخباریان وارد است که حال که رفع تشابه و تفسیر متشابهات از طریق ادله نقلی و روایات اهل بیت (ع) مقدور است، چه معنایی دارد این رفع تشابه از طریق آیات خود قرآن و «محکمت» آن نیز صورت پذیرد. هرچند توقع تفسیر و رفع تشابه صرفاً از طریق خود قرآن و بی نیاز بودن از ادله نقلی و روایی پر خواهانه و ناسازگار با ادله قرآنی و سایر روایات معتبر است. (شاکر، ۱۳۹۰، ص ۲۶۶)

ج) گروهی از اخباریان معتدل در غیر احکام نظریه قرآن، اعم از اصول دین و فروع آن، ظواهر قرآن را حجت می‌دانند. بنابراین در این حوزه ارجاع متشابهات به محکمت را می‌پذیرند و حتی ملا محسن فیض کاشانی که نه تنها ظواهر قرآن را در احکام نظری و غیر آن حجت می‌داند بلکه معتقد است که مولفان کمال یافته نیز به برکت متابعت از معصومان (ع)، ممکن است بعضی از متشابهات قرآن را تاویل کنند، هر چند علم به تمام متشابهات، مخصوص ائمه (ع) است (فیض کاشانی، ۱۳۹۰، ق، ص ۲۰ و ۳۸). بنابراین اخباریان معتدل بر اساس پیش فرض های شان به محکم ذاتی و متشابه ذاتی و عرضی قائلند، هر چند اخباریان تندرو، همه قرآن را از متشابهات ذاتی می‌دانند و رفع تشابه آن را صرفاً از طریق ارجاع به روایات ائمه (ع) و تبیین آن بزرگواران مقدور می‌شمارند.

۷- اخباریان و رویکرد بنیادگرایانه در محکمت و متشابهات قرآن

برخی از اخباریان شیعه رویکرد ظاهرگرایانه به معنای رایج و اصطلاحی آن، در آیات محکم و متشابه ندارند. ظاهرگرایی ویژه آنان را می‌توان به معنای احترام و تعلق خاص علمی آنان به بیانات و روایات امامان معصوم در مورد آیه‌ای خاص از قرآن دانست. (بیتاد لوسن، ۱۳۸۹ش، ص ۱۴). از سویی چون پذیرش بسیاری از روایات ائمه (ع) به معنای اذعان به تفسیر باطنی قرآن، ضرورت توأمی و تناسب ظاهر و باطن قرآن و پذیرش مدل خاصی از عقل‌گرایی در تاویل صفات خبری ذیل متشابهات قرآن، با رویکرد اهل بیت (ع) است، لذا اخباریان را باید در طیف بنیادگرایان شیعه و نه ظاهرگرایان در حوزه تفسیر ارزیابی نمود. وجود متفکرانی همچون ملا محسن فیض کاشانی در مجموعه اخباریان، نشانگر آن است که ظاهرگرا دانستن

صرف این جنبش، بسی دشوار است (همان، ص ۷-۸)، چنانکه جدای از تفسیر قرآن، پدید آوردن چند اثر دیگر فیض کاشانی که مشتمل بر فلسفه‌ای پیچیده، دقیق و کاملاً نظری و روحانی است، شاهدهی دیگر محسوب می‌شود (همان). رویکرد بنیادگرایانه اخباریان در تفسیر محکمت و متشابهات قرآن را می‌توان در دو قلمرو ذیل رصد نمود:

الف) ضرورت توأمان بودن و تناسب ظاهر و باطن قرآن :

اخباریان به استناد بسیاری از احادیث ائمه (ع) که در تفاسیر البرهان، نور الثقلین، صافی، مرآة الانوار و ... ذکر شده، شیوه اهل بیت (ع) را پذیرش بطون قرآن و جمع بین ظاهر و باطن و ضرورت تناسب بین تفسیر ظاهری و باطنی قرآن دانسته‌اند. به عنوان نمونه در مقدمه تفسیر مرآة الانوار تصریح شده که: قرآن دارای وجوه باطنی است و آیات قرآن پذیرای تاویل‌اند و معنای قرآن فقط محدود به یک عصر نیست بلکه برای همه زمانها و همه اقوام است؛ در ادامه به استناد چند روایت، معنای باطنی قرآن را مربوط به امامان (ع)، ولایت آنها و پیروانشان دانسته شده، سپس تناسب ظاهری قرآن با باطن آن و تشابه میان اهل تاویل و اهل تنزیل مطرح شده است (همان، ص ۱۳).

این دیدگاه اخباریان نشانگر موضع بنیادگرایانه آنان در مخالفت با «بطن‌گرایی افراطی» (اخذ بطون قرآن و نفی ظواهر) منسوب به خطابه و باطنیه و «ظاهر‌گرایی افراطی» (اخذ به ظواهر و نفی بطون قرآن) منتسب به قاضی عبدالجبار معتزلی (م ۴۱۵ ق)، ابن حزم اندلسی و ابن قیم جوزی است (رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۲۱۵).

ب) عقل‌گرایی در تاویل صفات خبری در محدوده‌ی روایات اهل بیت (ع):

مراد از «صفات خبری» - که اشاعره آن را نامگذاری نموده‌اند - آن دسته از صفات خداوند است که در نصوص دینی از آنها خبر داده شده و عقل به طور مستقل راهی برای اثبات آنها ندارد، مانند یدالله، وجه الله، عین الله و ...؛ در مقابل «صفات غیر خبری» به صفاتی اطلاق می‌شود که عقل می‌تواند آنها را مستقلاً اثبات کند مانند علم، قدرت، حیات.



رویکردهای مختلف مذاهب اسلامی در تاویل آیات متشابه و در حوزه آیات مشتمل بر صفات خبری را می‌توان به دو رویکرد کلی «ظاهر گرایی» (تعلق به ظاهر آیات و طرد معیارهای عقلی در بررسی ظهور آیات) و «عقل‌گرایی» (تقدم معیارهای عقلی در تفسیر متشابهات) تقسیم نمود. رویکرد «ظاهر‌گرایی» به نوبه خود به دو رویکرد جزئی‌تر تقسیم می‌شود:

الف) رویکرد تنزیهی و تفویضی که به بسیاری از صحابه، تابعان و پیشوایان حدیث و مذاهب فقهی اهل سنت، اختصاص دارد. در این رویکرد صفات خبری برای خداوند اثبات می‌شود، اما از تفسیر، تشریح معنایی و بیان صفات خداوند اجتناب می‌شود. از سویی از توصیف به صفات انسانی تنزیه می‌شود. آنان اعتماد و ایمان کلی را ضروری و ورود به شرح و تفسیر کیفیت صفات را عرصه بدعت و ناروا می‌شمارند. (شهرستانی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۸۴ و ۹۵؛ زرکشی، ۱۳۹۱ ق، ج ۲، ص ۸۹-۹۰؛ ملا علی قاری حنفی، ۱۴۱۶ ق، ص ۶۶)

ب) رویکرد تجسمی و تشبیهی که به برخی از صحابه که یهودی بوده‌اند و سپس مسلمان شده‌اند و جمعی از اهل حدیث، متعلق است. طرفداران این رویکرد گرچه مدعی نفی تشبیه هستند، با شرح و تفسیر ظاهر صفات و انتساب آن به خداوند معتقدند که صفات خدا به همان معنای ذهن انسانی است، ولی در حد و اندازه‌های بزرگتر که شایسته خداوند بوده و از نقص و ضعف پیراسته باشد. همین رویکرد در اشاعره نخستین و در راس آنها ابوالحسن اشعری - رئیس اشاعره - البته با آمیزه‌ای از توجیهاات عقلی دیده می‌شود. (ابن خزیمه، بی تا، ص ۵۰-۵۲؛ اسعدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۹۴؛ معرفت، ۱۳۸۹، ص ۲۵۰-۲۵۸)

وجه اشتراک هر دو گروه ظاهر‌گرا در آن است که معیارهای عقلی را در بررسی صفات آیات متشابه، قاصر می‌دانند. رویکرد «عقل‌گرا» مشتمل بر طیفی از دیدگاه‌ها است که تاویل را نوعی شرح و تفسیر، به مدد عقل در دستیابی به وجوه معنایی که عمیق‌تر از مفهوم ظاهری آیات متشابه است، می‌دانند. این رویکرد به نوبه خود به سه رویکرد ذیل تقسیم می‌شود:

الف) رویکرد اشاعره متاخر

ب) رویکرد معتزله

ج) رویکرد امامیه

رویکرد متکلمان مفسران عقل‌گرای شیعه در تاویل متشابهات و در ادامه تاویل صفات خبری قرآن، رویکرد عقل‌گرایی و برخاسته از احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، به ویژه امیرمؤمنان علی (ع) است. این رویکرد شامل دو بعد ایجابی و سلبی؛ و در بعد سلبی سخنان امامان معصوم (ع) ناظر به نقد آراء کلامی معاصران و به خصوص مشبهه و مجسمه و اهل حدیث، نقد روایات منقول از پیامبر (ص) که مورد استناد مشبهه و مجسمه بوده، و تاکید بر اصل تنزیه الهی و پرهیز از تعمق در ژرفای صفات غیروحدانی الهی که خداوند در قرآن به آن توصیف نشده؛ اما در بعد ایجابی ناظر به تفسیر آیات صفات به گونه‌ای سازگار با محکومات و اصول معرفتی قرآن، تاکید بر اصول عقلی و توجه به اشارات ادبی و لغوی در تحلیل درست آیات صفات و افعال الهی. (اسعدی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۱۸)

آنان بر اساس روایات اهل بیت (ع)، در مخالفت با مشبهه، مجسمه، اهل حدیث و اشاعره نخستین (شهرستانی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۹۶-۹۸) تفسیر ظاهرگرایانه از آیات صفات، که مستلزم تشبیه، تجسیم و اثبات صفات انسانی برای خداوند است، را نفی می‌کنند؛ و در مخالفت با فلاسفه و متکلمان معتزله، عقل‌گرایی در قرآن، به معنای تاویل خلاف ظاهر آیه را نمی‌پذیرند. عالمان امامیه، حمل آیات صفات برخلاف ظاهر را بدون تحلیل عقلی، کافی نمی‌دانند و به ظاهر به رویکرد اعتزالی نزدیک می‌شوند. (انصاری، ۱۳۸۱ش، ص ۲۰۱ و ۲۵۴). از سویی، حمل آیات صفات برخلاف ظاهر را صرفاً از باب کنایه و تمثیل نمی‌پندارند، بلکه در عین حال نوعی معنای واقعی، عینی و خارجی برای آن قائلند. به عنوان نمونه آن، تاویلی است که علامه طباطبایی در باب رویت الهی از آیه رویت خداوند ارایه نموده و آن را به معنای وجدان درونی خود حقایق و واقعیات، نه علم اصولی یا استدلالی آن دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص ۱۳۰-۱۲۹، ج ۸، ص ۱۵۳-۱۵۹ و ۲۴۱-۲۳۷ و ۲۵۸ و ۲۶۲-۲۶۸)

دیدگاه اخباریان شیعه در تاویل صفات خبری، نه موافق با رویکرد ظاهرگرایانه تنزیهی، تفویضی، تجسیمی و تشبیهی است و نه موافق با رویکرد عقل‌گرایانه اشاعره، و معتزله، متکلمان و مفسران عقل‌گرای شیعه است. آنان سه رویکرد اصلی متکلمان شیعه در تاویل صفات خبری قرآن را می‌پذیرند، ولی سه رویکرد ایجابی ایشان را (مطلقاً یا در مواردی فراوان) انکار می‌کنند، زیرا اخباریان آن دسته از مسایل اعتقادی که



میدان درک مشترک عقل و ورود نقل است مانند ورود عصمت پیامبر (ص) و امام (ع)، را در حوزه احکام غیر قطعی عقلی دانسته و معتبر نمی‌دانند و صرفاً به «نقل» استناد می‌کنند (بهشتی، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۴۴ و ۲۸۲). غالب اخباریان احکام بدیهی عقلی را معتبر و ادراکات غیر بدیهی و نظری را غیر معتبر می‌دانند (بحرانی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ۱۳۱-۱۳۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۳ ق، ص ۴۲۶). آنان ادراکات عقلی را در حوزه ضروریات دین و مذهب مانند نماز، زکات و حج و ... حجت می‌دانند و مدرکات عقل نظری در غیر ضروریات دین مانند حکمت الهی و حکمت طبیعی، علم کلام، اصول فقه و مسائل فقهی، خواه از اصول دین باشد و یا از فروع دین، حجت نمی‌دانند (استرآبادی، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۳۰) همچنین گروهی از طیف معتدل اخباریان مانند عبدالله بن صالح سماهیجی و سید مرتضی جزایری صاحب کتاب جوامع الکلام، اساساً حجیت ظواهر قرآن را در احکام نظری، اعم از اصول دین و فروع آن، نمی‌پذیرند. از سویی حجیت احکام نظری عقلی را در حوزه درون دین، انکار و صرفاً حجیت معرفت‌های عقلی بدیهی (=عقل فطری) را قبل از ورود به دین و شریعت می‌پذیرند. (مانند شیخ حرعاملی و شیخ حسن کرکی (حرعاملی، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۷۶ و ۱۹۵؛ کرکی، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۹۵) چنانچه دسته‌ای از اخباریان تندرو حجیت ظواهر همه آیات را نفی و تمام آیات قرآن را در زمره مجمل و متشابه می‌دانند مانند سید میرزا جزایری و عبدالله بن صالح سماهیجی (جزایری، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۰۳) تقریر مطلب به شرح ذیل است:

الف) آنان دلایل عقلی متکلمان را «احکام نظری عقلی ظنی» می‌پندارند که بدون تایید دلیل نقلی - آن هم صرفاً روایات اهل بیت (ع) - نه موجب قطع و نه اطمینان بخشی عقلایی می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۵۳ و ۴۲۶؛ جزایری، ۱۳۸۲ ق، ج ۳، ص ۱۳۲؛ جزایری، ۱۴۰۱ ق، ص ۲۵)، لذا حجتی برای آن قایل نیستند. از این رو سید نعمت الله جزایری می‌نویسد: از طریق دلیل عقلی به تنهایی و بدون دلیل نقلی اطمینانی برای ما حاصل نمی‌شود؛ چرا که ادله عقلی اساساً تمام نیستند، چه برسد به این که بخواهیم به واسطه آنها احکام شرعی را اثبات کنیم. (جزایری، ۱۳۸۲ ق، ج ۴، ص ۴۰)؛ همچنین محمد امین استرآبادی، حکم عقل نظری را در غیر ضروریات دین مانند حکمت الهی و حکمت طبیعی، علم کلام، اصول فقه و مسائل فقهی، خواه از اصول دین باشد و یا از فروع دین، حجت نمی‌دانند و می‌نویسد: در بسیاری از مباحث کلامی که متکلمان فقط به حکم عقل اکتفا می‌کنند، روایات متواتری از اهل بیت (ع) رسیده و آنها

با این روایات متواتر مخالفت می‌کنند و اگر آنان در مسائل کلامی به سخنان ائمه (ع) استدلال می‌کردند و اعتبارات عقلی را موید روایات می‌شمردند، برای آنان بهتر بود (استرآبادی، ۱۳۶۳ق، ص ۱۲۹-۱۳۱)؛ علامه مجلسی نیز که بر همین رای است، با تعریض بر متکلمان می‌نویسد: این که امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید «یهلک اهل الکلام و ینجو المسلمون» و متکلمان را مذمت کرده، از این جهت است که آنان با عقل‌های ناقص خود، قواعد و مقدماتی را تأسیس کردند که بیشتر گزاره‌های علم کلام، به آنها برمی‌گردد؛ هر چه با آن اصول و قواعد سازگار باشد، می‌گویند این مطابق اصول ماست و هر چه سازگار نباشد، می‌گویند این مخالف اصول ماست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۳۲). نتیجه آنکه: اخباریان با انکار دلایل عقلی نظری در علم کلام، ارجاع متشابهات به محکومات در حوزه صفات خبری قرآن و استنباط اشارات ادبی و لغوی در تحلیل آیات صفات و افعال الهی را مجاز و معتبر نمی‌دانند، مگر آنچه در روایات اهل بیت (ع) تایید شده باشد.

ب) اخباریان تندرو با انکار حجیت همه قرآن، اعم از نصوص و ظواهر؛ همچنین طیف معتدل اخباریان با انکار حجیت ظواهر قرآن در احکام نظری اعم از اصول دین و فروع آن، در واقع منکر زیرساخت قاعده «پیوستگی مفهومی بخش‌های مختلف متن قرآن با یکدیگر» و به تبع آن قاعده فرعی «ارجاع متشابهات به محکومات» (مطلقاً و یا حداقل در موارد فراوان) هستند.

ج) آنان به دلیل آن که عقل را به عنوان منبع دین و شریعت نمی‌پذیرند، لذا در تعارض دلیل عقلی با دلیل نقلی، در حوزه تاویل صفات خبری، دلیل نقلی را مقدم می‌دارند. (بحرانی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۲۶؛ بحرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۵۴؛ جزایری، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۱۳۳)



نتیجه گیری

تاثیرگذاری اندیشه‌های اخباریان شیعه بر متشابهات قرآن از منظر مفسران عقل‌گرای شیعه به شرح ذیل
تقریر می‌گردد:

۱- اخباریان در موضوع «ماهیت و گستره احکام و تشابه» منشاء بروز تشابه را برخاسته از شبهات لفظ شناسانه و معناشناختی می‌دانند. از این رو تشابه را مفهومی عام و بر اثر عوامل گوناگون لفظی و معنایی در حوزه مفردات و جملات قرآن می‌دانند.

۲- آنان در «تعریف محکم و متشابه» می‌گویند: «محکم» نصی است که در معنای خود صراحت داشته باشد و احتمال معنای خلاف در آن نرود و «متشابه» آیه است که در معنایی که از آن فهمیده می‌شود، احتمال خلاف برود، مانند: الفاظ مشترک، ظواهر، مجمل، ممول، عام، خاص مطلق و مقید.

۳- اخباریان «ملاک تشخیص احکام و تشابه آیات» را اشمال آیه بر یک وجه معنایی و یا جوه متنوع معنایی پنداشتند.

۴- آنان در تبیین «قلمرو محکمت و متشابهات»، نصوص صریح الدلاله را در زمره «محکمت»؛ و در مقابل، عموم ظواهر، جملات، مولات و اشتراک لفظی را که به نحوی دربردارنده جوه متنوع معنایی است، در قلمرو «متشابهات» پنداشتند.

۵- اخباریان در موضوع «نقش ام‌الکتاب بودن محکمت» به دیدگاه «مرجعیت مطلق محکمت نسبت به متشابهات» قایلند؛ بدین معنا که ام‌الکتاب بودن محکمت یعنی آیات محکم شامل معارف و احکامی است که قابلیت رجوع و تبیین مفسران را دارد. در مقابل، «متشابهات» از قابلیت ارجاع مفسران برخوردار نیستند، به طوری که باید بر فهم آنها توقف و دانش آن را به عالمش واگذار نمود.

دوره سوم

شماره ۵

پاییز و زمستان ۹۹

۶- آراء اخباریان در موضوع «اطلاق و نسبت و ذاتی و عرضی بودن محکم و متشابه» بدین شرح

است :

الف («تشابه مطلق» به معنای فهم ناپذیری مطلق متشابهات، قابل قبول نیست؛ ولی به معنای انکار فهم پذیری نسبت به مخاطبان غیر معصوم و انحصار مکانیسم فهم متشابهات در روایات اهل بیت (ع) قابل اذعان آنان است.

ب) اخباریان معتدل در غیر احکام نظری قرآن، اعم از اصول دین و فروع آن، ارجاع متشابهات به محکمت را می‌پذیرند، ولی اخباریان تندرو، همه قرآن را در قلمرو «متشابهات ذاتی» پنداشته، که صرفاً با ارجاع به روایات ائمه (ع) شرح و تفسیر و رفع تشابه از آنها مقدور خواهد بود.

۷- کنکاش در اندیشه‌ها و آراء اخباریان بیانگر آن است که باید برخی از آنان را در طیف «بنیادگرایان» (و نه ظاهر گرایان) در همه گرایش‌های علمی شان و از جمله در حوزه تفسیر و علوم قرآنی ارزیابی نمود؛ چنانکه رویکرد اخباریان در باورهای شان به دو موضوع «ضرورت توأمان بودن و تناسب ظاهر و باطن قرآن» و «طرد رویکرد عقل‌گرایی متکلمان و مفسران اصولی شیعه در تاویل صفات خبری خداوند در قرآن» شاهدهی بر این مدعاست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، المحلّی بالاثار، تحقیق عبدالغفار سلیمان البغدادی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- ۴- ابن خزیمه، ابوبکر محمد، کتاب التوحید، تحقیق الهراس، مصر، مکتبه الازهریه، بی تا.
- ۵- ابن رشد، ابو ولید، الكشف عن مناهج الادله فی عقاید الملّه، بیروت، مرکز دراسات الوحده العربیه، ۱۳۹۸م.
- ۶- ابن قتیبه، عبدالله، تاویل مشکل القرآن، تحقیق احمد صفر، بیروت، المکتبه العلمیه، بی تا.
- ۷- استرآبادی، محمد امین؛ الفوائد المدنیه؛ قم: دار النشر لاهل البيت، ۱۳۶۳ش.
- ۸- اسعدی، محمد و طیب حسینی، سید محمود؛ پژوهشی در محکم و متشابه؛ قم: سازمان سمت، ۱۳۹۰ش.
- ۹- انصاری، مرتضی؛ فرائد الاصول؛ لجنة تراث الشیخ الانصاری، ۱۴۱۹ق.
- ۱۰- انصاری، مرتضی؛ الملخص فی اصول الدین، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹ش.
- ۱۱- بحرانی، یوسف؛ الحدائق الناضرة؛ قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۷ش.
- ۱۲- بحرانی، یوسف؛ الدرر النجفیه، بیروت، دار المصطفی لاحیا التراث، ۱۴۲۳ق.

- ۱۳- بهشتی، ابراهیم؛ اخباری گری، تاریخ و عقاید؛ قم: پژوهشکده علوم و معارف حدیث، ۱۳۹۰ش.
- ۱۴- بهبهانی، وحید، الفوائد الحائریه، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- ۱۵- جزایری، سید عبدالله، الاجازه الکبیره، تحقیق محمد سماوی حائری، قم، کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق
- ۱۶- جزایری، سید نعمت الله؛ منبع الحیاء؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۱ق.
- ۱۷- جزایری، سید نعمت الله؛ الانوار النعمانیه، مقدمه محمدعلی قاضی طباطبایی، تبریز، بنی هاشم، ۱۳۸۲ق.
- ۱۸- حرعاملی، محمد بن حسن؛ الفوائد الطوسیة؛ تصحیح: مهدی لازوردی و محمد درودی، قم: المطبعة العلمیه، ۱۴۰۳ق.
- ۱۹- حرعاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ تصحیح و تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- ۲۰- حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
- ۲۱- حسینیان، روح الله؛ تاریخ سیاسی تشیع؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- ۲۲- رازی، فخرالدین، المحصل فی علم الاصول، ریاض، جامعه الانام، محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۹۷۹م.
- ۲۳- رازی نجفی اصفهانی، محمدتقی؛ هدایة المسترشدين؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۳۰ق.
- ۲۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، قم، نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- ۲۵- رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ منطق تفسیر قرآن؛ قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰ش.



- ۲۶- زرکشی ، بدرالدین ، البرهان فی علوم القرآن ، بیروت ، دارالمعرفه ، ۱۳۹۱ق.
- ۲۷- السبت، خالد بن عثمان؛ قواعد التفسیر جمعا و دراسته؛ مصر: دار ابن عفان، ۱۴۲۱ق.
- ۲۸- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق مصطفی دیا البغا، بیروت، ابن کثیر، ۱۴۱۶ ق.
- ۲۹- شاطبی ، ابوالحسن ، الموافقات ، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۶ق.
- ۳۰- شهرستانی ، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم ، الملل و النحل ، قم ، الشریف الرضی، ۱۳۶۷ش.
- ۳۱- شیخ انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، لجنه تراث الشیخ الانصاری، ۱۴۱۹ق.
- ۳۲- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، الخصال، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- ۳۳- صدر، حاج سید جوادی و دیگران؛ دایره المعارف تشیع؛ تهران: حکمت، ۱۳۷۵ش.
- ۳۴- طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۳ق.
- ۳۵- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- ۳۶- طباطبایی، سید محمد حسین؛ قرآن در اسلام؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ش.
- ۳۷- العمران، فرج؛ الاصولیون و الخبریون فرقه واحده؛ نجف: الحیدریه، ۱۳۷۵ق.
- ۳۸- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بی جا، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
- ۳۹- فائز، قاسم و شریفی محمد؛ «پیدایش، سیر تطور و تداوم اخباری گری»؛ کتاب قیم، ش ۱۱، سال ۴، ۱۳۹۳ش.
- ۴۰- فیض کاشانی، محسن؛ الاصول الأصلیه؛ تصحیح: میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۹۰ق.

- ۴۱- کاشف الغطاء، جعفر؛ الحق المبين في تصويب المجتهدين و تخطئه الاخباريين؛ قم: شيخ احمد شيرازي، نسخه سنگي، بي تا .
- ۴۲- کرکی عاملی، حسين؛ هداية الأبرار إلى طريق الأئمة الأطهار؛ تصحيح: رؤوف جمال الدين، نجف: مطبعة نجف اشرف، ۱۳۹۶ق.
- ۴۳- کليني، محمد بن يعقوب؛ الكافي؛ تصحيح: علي اكبر غفاري، تهران: دارالكتب الاسلامي، ۱۳۶۳ش.
- ۴۴- لوسن بي تاد؛ «رويكردهای اخباريان شيعه به تفسير»؛ ترجمه: محمدحسن محمدي مظفر؛ آيينه پژوهش، ش ۱۲۵، ۱۳۸۹ش.
- ۴۵- متقي هندی، علا الدين علي، كنزالعمال، بيروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- ۴۶- مجلسي، محمد تقی؛ لوامع صاحب قرانی؛ قم: اسماعيليان، ۱۴۱۴ق.
- ۴۷- مجلسي، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳.
- ۴۸- مطهری، مرتضی؛ ده گفتار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ش.
- ۴۹- مشکيني، ابوالحسن، كفايه الاصول مع حواشي ابي الحسن المشكيني، سامی خفاجی، قم، دارالحكمه، ۱۴۲۴ق.
- ۵۰- معرفت، محمدهادی، التمهيد، قم، موسسه النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ق.
- ۵۱- ملكي میانجی، محمدباقر، مناهج البيان، تهران، موسسه الطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
- ۵۲- نراقی، احمد، عوائد الايام، تحقيق مركز ابحاث و دراسات الاسلاميه، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۰ق.
- ۵۳- وحيد بهبهانی، محمد باقر؛ الفوائد الحائرية؛ قم: مجمع الفكر الاسلامي، ۱۴۱۵ق.